

گزارش

اسد: سوریه سقوط نمی‌کند

■ **شرق:** با فرار معمر قذافی و سقوط دولت او در لیبی عده‌ای از مردم سوریه به خیابان‌ها آمدند و همپای مردم لیبی به شادمانی پرداختند.همزمان با این تحولات در لیبی، بشار اسد رییس‌جمهوری سوریه روز یکشنبه در گفت‌وگو تلویزیونی گفت: «حکومت او با وجود ناآرامی‌های پنج ماه گذشته در معرض سقوط قرار ندارد.» به گزارش خبرگزاری رسمی سوریه (سانا)، بشار اسد اعتقاد دارد که تنها راه‌حل موجود برای حل بحران سئوریه دیپلماتیک است. او در این خصوص می‌شود: «در پنج‌ماه آینده انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود.» بشار اسد سپس با تأیید درگیری‌های مسلحانه با مخالفان گفت: «در چند هفته اخیر، به خصوص در جمعه گذشته ارتش مجبور به دفاع از خود شد، چرا که عده‌ای از افراد مسلح با حمله به مقر نیروهای نظامی و پاسگاه‌های پلیس عده‌ای از نیروهای نظامی و شهروندان سوری را کشتند، به رغم این حملات، چشم‌انداز سول و بحث امنیت شاید خطرناک جلوه کند اما به هر تقدیر مساله‌ای قابل حل است و اخیرا در این خصوص دستاوردهایی را داشتیم.» اما اکنون وارد جزئیات نمی‌شوم؛ چرا که موفقیت در حفظ امنیت برپایمان ضروری است. من نگران این حوادث نیستم.» بشار اسد پیش از این گفته بود که پایان عملیات نظامی را علیه مخالفان اعلام کرده است. از سوی دیگر بشار اسد با تأکید بر می‌حازات عملان کشتار مخالفان و نیروهای امنیتی گفت: «همه آنهایی که در جنایت‌ها علیه شهروندان این کشور دست داشتند، مجازات خواهند شد. مطمئن باشید که هیچ گناhkاری چه نظامی و چه غیرنظامی، تیرنه نخواهد شد و



هیچ فرد بیگناهی نیز مورد مواخذه قرار نخواهد گرفت.» این در حالی است که باراک اوباما روز پنجشنبه از بشار اسد خواسته بود که از قدرت کناره‌گیری کند.بشار اسد در واکنش به اظهارات اوباما در این گفت‌وگو تلویزیونی گفت: «جوابی به اوباما نداریم تا به وی نشان دهیم که سخنانش بی‌ارزش است. رابطه سوریه با غرب در واقع رابطه درگیری بر سر حاکمیت است، چرا که غربی‌ها می‌خواهند حاکمیت را از کشورهای دیگر از جمله سوریه بردارند، در حالی که ما بر حاکمیت خود تأکید داریم.» به گزارش ایسنا، بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه در مورد احتمال حمله نظامی به خاک سوریه توسط غربی‌ها، افزود: «سوریه همه فشارها و تهدیدهای خارجی پس از اشغال عراق توسط آمریکا را رد کرده و هر عملیات نطلمی که در این مرحله علیه سوریه انجام شود، پیامدهایی خواهد داشت که غربی‌ها نمی‌توانند آن را تحمل کنند.» بشار اسد همواره این ناآرامی‌ها را حاصل دخالت‌های غربی می‌داند. با این وجود، بشار اسد در واکنش به دخالت‌های ترکیه در امور سوریه این امر را از سه منظر بررسی کرده است. او در این خصوص گفت: «ما به موضع‌گیری ترکیه از چند زاویه نگاه می‌کنیم. شاید این موضع‌گیری به خاطر اهمیتی باشد که آنها برای سوریه قابل هستند که در این صورت ما از این تقدیر می‌کنیم، شاید به دلیل نگرانی از تأثیر مشکلات سوریه بر ترکیه باشد که این یک نگرانی طبیعی است، اما احتمال سوم این است که آنها بخواهند نقش سرپرست، معلم یا بازیگر اصلی در مساله سوریه را برعهده بگیرند که این مساله را رد می‌کنیم و ما به هیچ کس در هیچ جای جهان از جمله ترکیه اجازه نخواهیم داد که این نقش را برای سوریه بازی کند.» احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در دیدار با بشار اسد، خواستار فوری اصلاحات در سوریه شده بود. با این حال برخی از مخالفان پس از گفت‌وگو بشار اسد با تلویزیون دولتی سوریه واکنش منفی نشان دادند و از این گفت‌وگو استقبال چندانی نکردند. مخالفان اعتقاد دارند تا زمانی که نانکها و تک تیراندازان و طرفداران حکومتی مسلح در سطح خیابان‌ها وجود داشته باشند، این ناآرامی‌ها پایانی ندارد. به نوشته حریت، مخالفان اعتقاد دارند تا زمانی که نیروهای امنیتی به روی مخالفان آتش می‌گشایند، اصلاحات معنایی ندارد. در این خصوص «سپهر عطاسی»، یکی از مخالفان حکومتی در صفحه توئیتر خود مصاحبه تلویزیونی بشار اسد را «بی‌معنی» خوانده است. یکی دیگر از فعالان حقوق بشری سوریه نیز می‌گوید که در حملات روز شنبه نیروهای امنیتی دو نفر از مترضان در شهر «استان» در حوالی استان حمص کشته شده‌اند. از ابتدای ناآرامی‌ها تاکنون دوهزار نفر از مخالفان کشته شده‌اند.

اسد: درباره آخرین دیدار خود با قذافی بگویند

آخرین دیدار ما ششم نوامبر بود که من از نیویورک برگشته بودم. لیبی میزان گروه ۷۷ به اضافه چین بود و تقریبا ۱۳۰ رییس دولت (چون نوبت آفریقا بود که این دوره را میزبانی کند) به لیبی آمده بودند. قرار بود این اجلاس در سپتامبر برگزار شود و در آن تغییرات در سازمان ملل و سایر موضوعات بررسی شود. من قذافی را در منطقه‌ای به نام «مرعبات» دیدم. بشیر صالح، مدیر دفترش با من صحبت کرد و گفت همین الان برو منطقه «مرعبات». منطقه‌ای تقریبا حفاظت شده بود که در آنجا شتر، گوسفند و درختانی قرار داشت. وقتی رفتم دیدم که معمر در هوای آزاد نشسته است. با هم درباره کنفرانس صحبت کردیم. به او گفتم اجازه بده کمی بدون رودربایستی با هم صحبت کنیم. به طنز گفت تو همیشه بی‌رودربایستی حرف می‌زنی. به او گفتم کشور دارد از دست می‌رود. تبدیل به یک مردار شده

است که کره‌ها را آن خارج می‌شوند. تو تنها کسی هستی که می‌توانی نجاتش دهی. اما نمی‌خواهم پشت سر البغدادی، نخست‌وزیر حرف بزنم، چون او دوست و همکار من است. من عادت ندارم پشت سر افراد حرف بزنم. وقتی می‌خواهم از کسی انتقاد کنم، می‌گویم بی‌رحمت او را بگویند. باید فوراً به منشی خود گفت به «بغدادی بگو فوراً باید. منشی آمد و گفت سرورم آقای بغدادی می‌گوید من جلسه مهمی دارم و بعد خواهم آمد. درباره بیکاری با او حرف زدم و درباره فرزندانش. اینکه سیفالاسلام دیگر توپچی نمی‌کند. درباره آموزش، شفایات و کلیت اوضاع با او حرف زدم و درباره راست می‌گوی، راست می‌گوی. درست است. درست است. سپس به من گفت: عبدالرحمان وقتی ما به قدرت رسیدیم، کسی که پنج نفر داشت الان ۵۵ نفر دارد. هرکسی یک جوری منحرف شد. کسی که شراب نمی‌خورد الان می‌خورد. کسی که زان نمی‌کرد الان می‌کند. کسی که زدی نمی‌کرد حالا دیگر می‌کند. ما دیگر بزرگ شده‌ایم و باید همه چیز را تحویل فرزندان مان دهیم. به او گفتم برادر، من با تو هستم. اما فرزندمان دیگر با تو نیستند. آنها دنیای دیگری را می‌خواهند. به من گفت: حتی بچه‌های من هم با من نیستند. فرزندان من هم مثل بچه‌های تو هستند. درباره سیستم اداری دولت با او حرف زدم. می‌فهمید و پاسخ می‌داد و در نهایت او را ترک کردم.

روز بعد برادر محمد الزاوی، دبیر کنگره عمومی خلق (تقریباً رییس پارلمان) با من تماس گرفت. نزد او رفتم، گفت معمر قذافی با من حرف زد و گفت که دیدار عبدالرحمان شلمق برایم تلخ بود و خیلی عصبانی و بدبین است. البغدادی المحمودی، نخست‌وزیر را خواست و سا او صحبت کرد. البغدادی نزد ما آمد. نمی‌خواهم بگویم که چه گذشت تا برایش دردرس درست نکنم. اما در مجموع پذیرفتند که اشتباهاتی رخ داده. به البغدادی گفتم باید استعفا دهد. چون همه مردم تو را سرزنش می‌کنند. احمد قذاف الدم آمد. من وارد اتاق شدم که با البغدادی با هم بودیم. ما به طوری صریح صحبت کردیم. به من گفت فساد هست و از خیلی چیزها شکایت می‌کرد. بعد از آنجا رفتم. عصر محمد الزاوی مرا در ختام ملاقات کرد و به من گفت: اوضاع سخت است و اصلاح کردن این اوضاع دشوار. باید به هر حال تحمل کرد. به او گفتم: تا کی، ما ۴۲ سال تحمل کردیم. کی باید این اصلاحات را انجام داد، گفت نظرت در این‌باره چیست که یک جلسه کنگره برپا کنیم و تو با صلاح‌دید خودت یک کمیته خلقی درست کنی، یعنی دولت تشکیل دهی. به او گفتم لیبی مرده است و از آن فقط یک جسد بی‌جان مانده. از من می‌خواهی که این جسد را طبع کرده و تقدیم مردم کنم؟ این کار از دست من بر نمی‌آید و به دنبال آن لیبی را ترک کرده و دیگر برگنشتم. محمد الزاوی دوستم بود و مثل برادرم. بین ما رابطه دوستانه‌ای وجود داشت و از قدیم با هم صحبت روز بعد ابوزید دوره، رییس سازمان اطلاعات با من بود. بعد از وی در گذشته نخست‌وزیر و سفیر لیبی در سازمان ملل متحد بود. او فردی میهن‌دوست است که از اوضاع انتقاد کرده و تن به فساد نمی‌دهد. ما دو نفر رابطه دوستانه‌ای داشتیم. گفت می‌آید. وقتی آمد، گفت حرفی را از محمد الزاوی شنیده و ناراحت شده است. گفت تو به این فکر هستی که بروی و دیگر برنگردی و این عیب دارد و منطقی نیست. به او گفتم فقط یک لحظه عصبانی شدم. از این می‌ترسیدم که مرا بازداشت یا ممنوع‌السفر کند. اعتراف کرد که فساد وجود دارد و اصلاحات دشوار است. همه آنچه اتفاق افتاد، همین بود.

■ **شما خودتان تصمیم گرفتید از قذافی جداشوید؟**

من قبل از بارها فکر کرده بودم. حتی وقتی در سال ۱۹۹۴ از ایتالیا فراخوانده شدم به این فکر افتادم که دیگر به لیبی نبرگردم. کم‌اینکه بیشتر دوستان من یعنی ۹۹درصد آنها که در دانشگاه مصر تحصیل می‌کردند همین تصمیم را گرفتند. من در مصر هم که بودم برای خود موضعی داشتم. وقتی رییس اتحادیه دانشجویان لیبیایی در مصر بودم خیلی اهل بحث بودم. کتاب‌ها و مقالاتی داشتم که چاپ می‌شد اما معمر قذافی از من دفاع می‌کرد. طبعاً او بود که از من و روابط من با دیگران و دنیای خارج برای حل مشکلات استفاده می‌کرد. من بودم که قضیه لاکربی و مساله سلاح‌های کشتارجمعی و هواپیمای «بوتا» را برای او حل کردم. من درهای اروپا را به روی او باز کردم و از آن طریق راه به سازمان ملل پیدا کرد. اکثر کسانی که در اطراف او بودند چالوسران دروغگوئی بودند که به درد هیچ کاری نمی‌خوردند و تنها می‌دانستند جلو رهبرشان چگونه شعار دهند. از آن گذشته قذافی خودش می‌گفت که تو درست عمل می‌کنی. من جسارت داشتم ولی معمر قذافی مرادر حاشیه قرار می‌داد. من پیوسته گفته‌ام که قذافی به جای اینکه مرا مانند یک کارمند در قفس زندگی و کار حبس کند مانند یک روشنفکر به حاشیه می‌راند و در آنجا نگه می‌داشت. او از من و دیدگاه‌هایم استفاده می‌کرد، مخصوصاً رنگ‌رنگ‌بندی نسبت به جهان. معمر قذافی خودش به کسی گفته بود که در این بحران عبدالرحمان را از دست داده است.



وزیر خارجه فراری سخن می‌گوید

آخرین ملاقات با قذافی

محمدعلی عسگری

در آخرین بخش از مصاحبه عبدالرحمان شلسمق با روزنامه الحیات، وی با ارایه توضیحات بیشتر درباره قذافی می‌گوید بعید می‌داند که او دست به خودکشی بزند. در عین حال بعید نیست که او طی توافقی حاضر باشد به همراه خانواده‌اش از لیبی خارج شود. شلمق در این بخش نیز به همکاری‌های رژیم قذافی با سازمان‌های اطلاعاتی غرب می‌پردازد و در آخر می‌گوید لیبیایی‌ها خواستار ایجاد نظامی تکثرگرا هستند که در آن گردش قدرت و انتخابات آزاد تضمین شده باشد.

■ **قذافی چطور از یک جوان ساده به یک دیکتاتور با این خصوصیات تبدیل شد؟ او یک افسر دون پایه بود. آیا قدرت از یک انسان چنین حیوانی می‌سازد؟**
شاید اگر به اندیشه‌های فروید و یونگ و دیگران بازگردیم و از تأثیر دوران کودکی و محیط اجتماعی و دوستان روی فرد حرف بزنیم، متوجه این امر می‌شویم. معمر قذافی فردی بود که از طرف پدرش، محمد عبدالسلام بومنیار سرکوب می‌شد. پدرش جزو کسانی بود که ایتالیایی‌ها او را برای جنگ با مردم لیبی استخدام کرده بودند. پیکر پدر معمر قذافی الان در مقبره‌الشهدا قرار دارد. او در گردان «بلاده» در سرت خدمت می‌کرد و با مردم لیبی می‌جنگید. پدرش اصلاً مجاهد نبود. تصویر عبدالناصر و سرکوب و فقر هر او تأثیر گذاشت است. فشارهای این چند سال هم بوده و تنش که در نتیجه عملکرد حاکمیت به وجود آمده بود.

■ **درباره اینکه خودش را شاهنشاه آفریقا نامیده بود، توضیح دهید؟**

توصیه می‌کنم کتابی فرانسوی تحت عنوان «تشریح طاغوتی‌گری» را بخوانید. ما ۲۰ اگوست ۲۰۰۹ در بنغازی بودیم. یعنی پیش از ترک آنجا و رفتن به سازمان ملل متحد. در منطقه «الپهاری» و در مرزعه معمر قذافی بودیم؛ من و بشیر صالح، مدیر دفترش. داشتیم توافق‌نامه یا معاهده‌ای را مرور می‌کردیم و در نهایت تصمیم گرفتیم که با برلسکونی دیدار کنیم. سپس من و بشیر نشستیم تا ماکارونی بخوریم. به من گفت ناراحت و گرفته است. از او دلیش را پرسیدم. گفت: دوستم خودش را شاهنشاه می‌داند. پرسیدم: شاهنشاه کجا؟ گفت: شاهنشاه آفریقا. خیلی از این ماجرا ناراحت بود. گفت: خبر رسیده که برای خودش تاج و الگوها و انگشترهایی هم ساخته و امروز یا فردا این ننگ را اعلام خواهد کرد. گفتم: باور نمی‌کنم.

بگذار بروم و با خودش صحبت کنم. به من گفت: سعی نکن. به من گفته که من فردی فوق‌العاده در تاریخ هستم و به همین دلیل آفریقایی‌ها تصمیم گرفته‌اند مرا پادشاه خودشان قرار دهند و آنها از شما بهترند. من تاجی بر سر می‌گذارم و همه دنیا خواهد دید که من یک شاهنشاه هستم. من داری فرد بی‌نظمی. به بشیر گفتم: داری شوخی می‌کنی؟ دستش را به پیشانی‌اش زد و گفت: واقعاً همین‌طور می‌گفت! پرسیدم: با سیفالاسلام هم صحبت کردی؟ پاسخ داد: بله. سیفالاسلام گریست و به او برخورد. به او گفتم: بگذار من با او صحبت کنم نزدیک ما در این خیمه است. گفت: مراقب باش نزد او نروی که اذیتت می‌کند. به بشیر گفتم: آخر این وضعیت خطرناکی است و دودش به چشم همه ما می‌رود. جواب داد: من و تو نمی‌توانیم کاری بکنیم. گفتم: پس راحل آن چیست؟ پاسخ داد: در برابر این مرد هیچ راه‌حلی وجود ندارد. او به جای با روی سرش راه می‌رود. گفتم: ایتالیایی‌ها درباره او می‌گویند او فردی است مثل هندوانه که توپر است اما ظاهر و باطنش همه پوست است. گفتی از من دفاع می‌کرد. طبعاً او بود که از من و روابط من با دیگران و دنیای خارج برای حل مشکلات استفاده می‌کرد. من بودم که قضیه لاکربی و مساله سلاح‌های کشتارجمعی و هواپیمای «بوتا» را برای او حل کردم. من درهای اروپا را به روی او باز کردم و از آن طریق راه به سازمان ملل پیدا کرد. اکثر کسانی که در اطراف او بودند چالوسران دروغگوئی بودند که به درد هیچ کاری نمی‌خوردند و تنها می‌دانستند جلو رهبرشان چگونه شعار دهند. از آن گذشته قذافی خودش می‌گفت که تو درست عمل می‌کنی. من جسارت داشتم ولی معمر قذافی مرادر حاشیه قرار می‌داد. من پیوسته گفته‌ام که قذافی به جای اینکه مرا مانند یک کارمند در قفس زندگی و کار حبس کند مانند یک روشنفکر به حاشیه می‌راند و در آنجا نگه می‌داشت. او از من و دیدگاه‌هایم استفاده می‌کرد، مخصوصاً رنگ‌رنگ‌بندی نسبت به جهان. معمر قذافی خودش به کسی گفته بود که در این بحران عبدالرحمان را از دست

■ **شما خودتان تصمیم گرفتید از قذافی جداشوید؟**

من قبل از بارها فکر کرده بودم. حتی وقتی در سال ۱۹۹۴ از ایتالیا فراخوانده شدم به این فکر افتادم که دیگر به لیبی نبرگردم. کم‌اینکه بیشتر دوستان من یعنی ۹۹درصد آنها که در دانشگاه مصر تحصیل می‌کردند همین تصمیم را گرفتند. من در مصر هم که بودم برای خود موضعی داشتم. وقتی رییس اتحادیه دانشجویان لیبیایی در مصر بودم خیلی اهل بحث بودم. کتاب‌ها و مقالاتی داشتم که چاپ می‌شد اما معمر قذافی از من دفاع می‌کرد. طبعاً او بود که از من و روابط من با دیگران و دنیای خارج برای حل مشکلات استفاده می‌کرد. من بودم که قضیه لاکربی و مساله سلاح‌های کشتارجمعی و هواپیمای «بوتا» را برای او حل کردم. من درهای اروپا را به روی او باز کردم و از آن طریق راه به سازمان ملل پیدا کرد. اکثر کسانی که در اطراف او بودند چالوسران دروغگوئی بودند که به درد هیچ کاری نمی‌خوردند و تنها می‌دانستند جلو رهبرشان چگونه شعار دهند. از آن گذشته قذافی خودش می‌گفت که تو درست عمل می‌کنی. من جسارت داشتم ولی معمر قذافی مرادر حاشیه قرار می‌داد. من پیوسته گفته‌ام که قذافی به جای اینکه مرا مانند یک کارمند در قفس زندگی و کار حبس کند مانند یک روشنفکر به حاشیه می‌راند و در آنجا نگه می‌داشت. او از من و دیدگاه‌هایم استفاده می‌کرد، مخصوصاً رنگ‌رنگ‌بندی نسبت به جهان. معمر قذافی خودش به کسی گفته بود که در این بحران عبدالرحمان را از دست

■ **راستی داستان آن لباس‌های غربی قذافی چه بود؟**

لباس‌های کمپایی می‌پوشید و می‌خواست بگوید ای مردم من با شماها فرق دارم. این فقط خصلت معمر قذافی نبود. همه دیکتاتورها و متوهمان یا کسانی که دچار بیماری‌های روانی از این دست هستند، چنین رفتاری دارند و سعی می‌کنند بگویند با دیگران متفاوت هستند. من هم پیراهنی می‌پوشیم و کراواتی می‌زنیم و شبیه به هم هستیم اما او می‌خواست بگوید که با ما فرق دارد. این اختلاف به

جهان

دور و نزدیک

آتش‌پس حماس و اسرائیل

■ **بی‌بی‌سی:** پس از چهار روز آتشباری متقابل بین اسرائیل و گروه‌های فلسطینی مستقر در نوار غزه، رژیم اسرائیل و تشکیلات حماس گفته‌اند بر سر برقراری آتش‌پس به توافقی رسیده‌اند. درگیری بین دو طرف در طول چهار روز گذشته به کشته شدن ۱۵فلسطینی در نوار غزه و یک اسرائیلی در اثر اصابت موشک پرتاب شده توسط فلسطینیان منجر شده‌است. توافقی آتش‌پس یکشنبه شب به دست آمد و بامداد دوشنبه اعلام شد.

افزایش احتمال تیرئه استراسوس کان

■ **یورونیوز:**شاه‌نشاهی‌توقف‌روندداری‌س‌علیه‌نومینیک استراسوس کان و امکان تیرئه او بیشتر شده است. در روند داری‌س‌اتهام تعرض جنسی رییس پیشین صندوق بین‌المللی پول، دادستان پرونده شاکي را به دفتر خود احضار کرد. این خدمتکار «هتل سوئیتل» در نیویورک مدعی شده‌بود که استراسوس کان به او تعرض جنسی کرده است. از دید حقوقدانان، دادستان پرونده می‌تواند به دلیل تناقضی‌گویي و تناوئی‌شاکي از اثبات کلمل ادعای خود، داری‌س‌را باپایان یافته اعلام و متهم را تیرئه کند.

تلفات غیرنظامیان کرد

■ **بی‌بی‌سی:** حمله هوایی ترکیه به اهداف متعلق به پیکارجویان کرد در شمال عراق به کشته شدن دست‌کم هفت غیرنظامی منجر شد. این نخستین باری است که اخباری در مورد میزان تلفات حملات هوایی ترکیه به اهداف پیکارجویان کرد که از هفته پیش آغاز شده، منتشر می‌شود. حملات هوایی ترکیه به تلافی حمله پیکارجویان کرد به یک کاروان نظامی در جنوب شرق ترکیه انجام می‌شود که در جریان آن ۹ نفر از نیروهای امنیتی ترکیه کشته شدند. از ۱۹۸۷ تاکنون ده‌ها هزار نفر در جریان درگیری‌های این گروه با نیروهای ترکیه جان خود را از دست داده‌اند.

مسمومیت بانوی نارنجی در زندان

■ **ایسنا:** مشاور یولیا تیموشنکو از احتمال مسمومیت عمدی نخست‌وزیر پیشین اوکراین در زندان خبر داد. به گفته او، رییس‌جمهور این کشور در تلاش است تا رقیب سیاسی خود را نابود کند. او گفت: «بسیار نگران هستم. او با خون‌ردگی، لک و همچنین ورم دست‌ها و بخش‌های دیگری از بدنش روبه‌رو شده است.» به گفته وکیل رهبر انقلاب نارنجی، او دیگر غایبی را که در زندان تهیه شده نمی‌خورد. ناظران بین‌المللی از روند محاکمه این زن به شدت انتقاد دارند. اتحادیه اروپا هم می‌خواهد ناظری را برای بررسی روند دادگاه روانه اوکراین کند.

جائز دوباره می‌رود

■ **رویترز:** رییس‌جمهوری ونزولا به دنبال موافقت نمایندگان پارلمان است تا برای دور جدید درمان سرطان خود به کوبا بازگردد. این سومین دور شیمی درمانی هوگو چاوز در کوبا خواهد بود. چاوز در مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های ونزولا که روز شنبه منتشر شد نوشته که در حال آماده شدن برای دور جدید احتمالی شیمی درمانی است و به واسطه آن، مواهیش خواهد ریخت. چاوز از طرفدارانش که برای همدردی با او مواهیشان را تشهیده‌اند، تشکر کرد.

کاهش تلفات غیرنظامیان افغان

■ **بی‌بی‌سی:** ناتو می‌گوید آمار تلفات غیرنظامیان افغان در سه ماه اول سال جاری در مقایسه با همین دوره زمانی سال گذشته، ۴۰درصد کاهش داشته‌است. به گفته ناتو در حال گروهبی شورشیان در سال جاری کاهش داشته و علاوه بر این، کف‌انبارهای سلاح شورشیان ونیز پیوستن آنها به برنامه صلح از عوامل کاهش تلفات غیرنظامیان است. آمار ناتو با گزارش سازمان ملل تفاوت آشکار دارد. سازمان ملل می‌گوید: در شش ماه اول سال جاری، تلفات غیرنظامیان ۱۵درصدافزایش داشته‌است.

حمله به دفتر عدالت و توسعه

■ **ترند:** به نوشته روزنامه «صباح» چاپ ترکیه، افرادی ناشناس یکشنبه شب به دفتر حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه در منطقه «کادی‌کوی» استانبول یک بمب صوتی پرتاب کردند. انفجار این بمب خسارت زیادی بر جای گذاشته اما تلفاتی نداشته‌است. تحقیقات پلیس استانبول در مورد این حادثه ادامه دارد.

سفر ادامه‌دار رهبر کره شمالی

■ **رویترز:** کیم جونگ ایل، رهبر کره شمالی، همچنان سرگرم بازدید از روسیه است. از سفر کیم جونگ ایل که روز شنبه باقطار زره‌پوش اختصاصی‌اش وارد شرق روسیه شد، اطلاعات چندانی منتشر نشده اما گفته می‌شود هدف از این سفر، گفت‌وگو با مقام‌های روسیه درباره موضوع انرژی است. انتظار می‌رود دیدار کیم جونگ ایل و دبیرمتی مودیفه، رییس‌جمهوری روسیه، امروز یا فردا در شهر اولان اوده در سبیری صورت گیرد.

نظر بلر در مورد شورش انگلیس

■ **بی‌بی‌سی:** تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا دلیل اصلی اغتشاشات اخیر در انگلستان را «جوانان ناراضی و بی‌اعتنا» در جامعه دانسته است. بلر در مقاله‌ای در هفته‌نامه آیزور بریتانیا، نسبت به تحلیل‌های اشتباه از شورش‌های اخیر، هشدار داد و گفت که احتمالاً ریشه این‌گونه تحلیل‌ها به واکنش‌های اشتباهی که از این اغتشاشات شده برمی‌گردد. تونی بلر همچنین این ادعاها را که بریتانیا با «نحطاط اخلاقی» روبه‌روست، رد کرده‌است.